

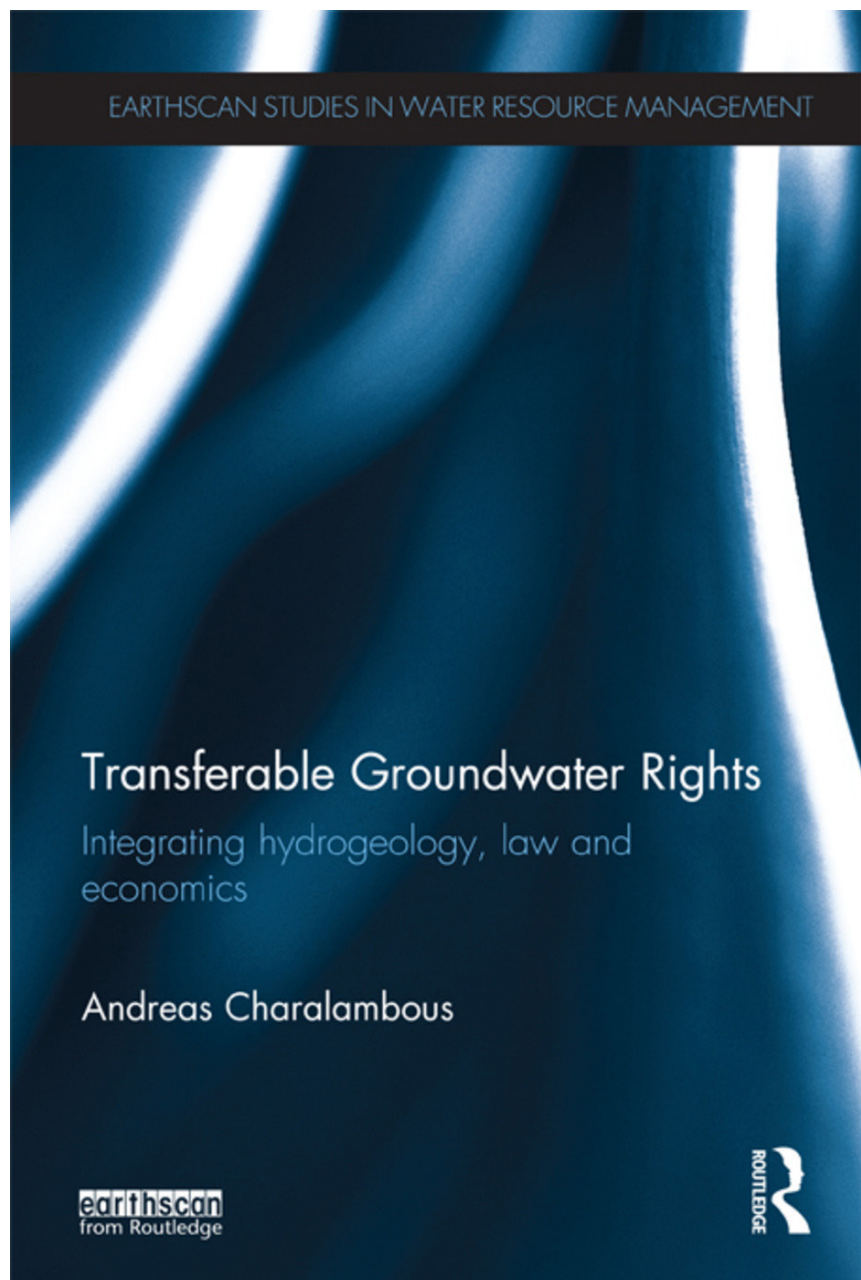
حقوق قابل انتقال آب زیرزمینی

نگاهی به یافته‌های یک پژوهش

تهیه‌کننده: حمید پشتوان

حقوق قابل انتقال آب زیرزمینی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، در فضای تغییر نگرش سیاسی و اقتصادی جهانی درباره حقوق آب اهمیت پیدا کرد. عقیده مطرح شده آن بود که اگر حقوق آب، قابل انتقال شود، و بنابراین امکان مبادله آن در بازار آزاد فراهم آید، منابع آب زیرزمینی می‌تواند پایدارتر و کارآتر استفاده شود. بر این اساس، جابجایی آب زیرزمینی استفاده شده در بخش آبیاری - حجم زیاد و بهره‌وری پائین - به سمت تأمین نیازهای کم حجم و پرارزش شهری یا صنعتی، یا کشت تجاری محصولات، ساز و کاری برای رسیدن آب به ارزش اقتصادی آن دیده می‌شد. برخی منتقدان بر این موضوع انگشت گذاشتند که بازارهای آزاد معمولاً عملکرد مطلوبی درباره محیط‌زیست، افسار آسب پذیر جامعه و حفاظت منابع نخواهند داشت. آنان عقیده داشتند که با توجه به افزایش اساسی قیمت غذاهای اصلی، تأثیر بازار بر خانوارهای فقیر کشاورزان کوچک مقیاس که ممکن است مجبور شده باشند حقایق‌های آب زیرزمینی خود را در ازای سود کوتاه مدت بفروشند می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد.

کتاب «حقوق قابل انتقال آب زیرزمینی، یکپارچه‌سازی هیدروژئولوژی، حقوق و اقتصاد» نوشته Andreas Charalambous،



حاصل پژوهش وی درباره حقوق قابل انتقال آب برای دریافت فوق لیسانس حقوق در دانشگاه Dundee در اسکاتلند است. این کتاب در سال ۲۰۱۶ انتشار یافته و ناشر آن Routledge است.

این کتاب، حقوق قابل انتقال آب زیرزمینی را در چارچوبی گسترده مورد بحث قرار می‌دهد. از این رو، همزمان که بر جنبه‌های حقوقی و اقتصادی تمرکز دارد، توصیف نسبتاً جامعی نیز درباره جنبه‌های فیزیکی آب زیرزمینی به دست می‌دهد تا برای خوانندگان غیر فنی نیز مفید باشد. این کتاب بر پایه مرور تفصیلی تجربه پنج کشور ایالات متحده، استرالیا، مکزیک، شیلی، انگلستان و ولز، به بررسی نقادانه این موضوع می‌پردازد که آیا مبادله حقوق آب زیرزمینی، راه حلی برای مدیریت پایدار آب زیرزمینی است، یا آکنده از خطرات بالقوه برای محیط‌زیست و عدالت اجتماعی است؟ همچنین، رهنمودها و چارچوب ارزیابی را برای تصمیم‌گیری درباره استقرار حقوق قابل انتقال آب زیرزمینی معرفی می‌کند.

مرور یافته‌ها

بررسی تجربه جهانی نشان می‌دهد که نمی‌توان انتقال حجم زیاد آب زیرزمینی را در بازار، از کشاورزی با بهره‌وری پائین به تأمین شهری پرارزش، برپایه حقوق قابل انتقال آب سراغ گرفت. حقوق قابل انتقال آب زیرزمینی در ترکیب با دیگر اقدامات برای کاستن از بیش برداشت آب زیرزمینی به کار گرفته شده است (آبخوان ادواردز در تگزاس). با این همه، این هدف با مبادله حقوق آب تحقق نیافت، بلکه با خرید (و از دور خارج کردن) حقوق آب زیرزمینی از آبیاران صورت گرفت. دیگر اقدامات عبارت بود از عرضه مشوق‌های مالی برای زارعان برای کاهش برداشت و خرید اراضی در محدوده‌های تغذیه. این شیوه، بار پرهزینه‌ای را با افزایش عوارض بر استفاده‌کنندگان عمدتاً بر بخش غیر

کشاورزی تحمیل کرد، سناریویی که برای بسیاری از جوامع محلی فقیر در کشورهای در حال توسعه، نامحتمل است. در استرالیا، احساس ضرورت شد که حقوق آب، از آبیاران به هزینه زیاد برای تضمین تأمین نیاز محیط‌زیست در دوره خشکسالی اخیر بازخرید شود.

”

«بررسی تجربه جهانی نشان می‌دهد که نمی‌توان انتقال حجم زیاد آب زیرزمینی را در بازار، از کشاورزی با بهره‌وری پائین به تأمین شهری پرارزش، برپایه حقوق قابل انتقال آب سراغ گرفت.»

“

بررسی انجام شده، شواهدی مبنی بر اینکه این پنج کشور مبادله حقوق آب را راهکاری اساسی دانسته باشند یا نقش قابل ملاحظه‌ای در مدیریت پایدار منابع آب داشته‌اند به دست نداد. در واقعیت، مبادلات حقوق آب معمولاً تنها درصد کوچکی از کل استفاده را تشکیل داده است. در شیلی، که مبادله آب بدون دخالت دولت اجازه داده شد، حقوق آب زیرزمینی، بیش از اندازه واگذار شده بود. آب زیرزمینی در بیشتر نواحی در وضعیت بیش برداشت قرار داشت. از این رو، دولت مجبور شد قوانین جدیدی را برای حفاظت آبخوان‌ها و جریان‌های اکولوژیکی وضع کند. در غرب ایالات متحده نیز وضعیت مشابهی وجود داشت. در این منطقه، بسیاری از آبخوان‌ها پیوسته خالی شده بودند، علی‌رغم اینکه سال‌های زیادی مبادله حقوق آب صورت می‌گرفته است. در مکزیک، بیش بهره‌برداری آب زیرزمینی همچنان ادامه دارد و بازار قادر نیست راه حل اساسی مسئله باشد. در استرالیا،

مبادله آب زیرزمینی بسیار ضعیف بوده است، و درصد کوچکی از کل استفاده آب زیرزمینی را تشکیل می‌دهد. این وضعیت در حالی است که اصلاحات قابل توجه و پرهزینه اداری در سال‌های متمادی صورت گرفته است. در انگلستان و ولز، که برخلاف دیگر کشورهای بررسی شده، کمتر از ۱ درصد کل استفاده به آبیاری تعلق دارد، مبادله حقوق آب چنان بی‌اهمیت بوده است که هیچ تغییری را در تخصیص و مدیریت منابع آب نتیجه نداده است.

به طور کلی، موارد زیادی از انتقال‌های آب، از آبیاری به تأمین شهری وجود نداشته است، بیشتر انتقال‌ها در داخل بخش کشاورزی روی داده است، و بیشتر آنها موقتی بوده‌اند تا دائمی. تنها موارد معدودی وجود دارد که زارعان فقیر اقداماتی را برای صرفه‌جویی آب و استفاده کارآتر آن به کار بسته‌اند تا بتوانند مازاد آب را به قیمتی بالاتر مبادله نمایند. در واقعیت، زارعان فقیر معمولاً فروشندگان حقوق آب هستند و به ندرت خریدار. در مجموع، تجربه جابجایی مقادیر اساسی از آبیاری (با بهره‌وری پائین) با آب زیرزمینی به استفاده شهری یا صنعتی پرارزش وجود نداشته است. در شیلی، افزون بر خالی شدن آبخوان، مشکلات محیط‌زیستی، عدالت اجتماعی، انحصار و احتکار حقابه نیز وجود داشته است.

در کشورهای بررسی شده، دولت‌ها هنوز در پی مبادله حقوق آب به عنوان گزینه‌ای مساعد برای تخصیص کارآی منابع هستند، و انجام آن غالباً با هزینه‌ای قابل ملاحظه انجام می‌گیرد. با اینکه مبادله حقوق آب ممکن است بتواند تأثیرگذار باشد، ولی بازار ایده‌آل با خریداران و فروشندگان بسیار، محقق نشده است، و در نتیجه، نقش دولت، هم به عنوان آغازگر و هم تنظیم‌گر، و نیز مأمور پرداخت در قبال حفاظت محیط‌زیست، جوامع محلی روستایی و آسیب‌پذیر، بعید است کم‌رنگ باشد.